



راهبردهای مدیریت اعتراض‌ها در جمهوری اسلامی ایران^۱

رضافیعی^۲، اصغر افتخاری^۳، ناصر جمالزاده^۴، جواد حسینی^۵

چکیده

اعتراض پدیده‌ای بنیادین در جوامع است که نحوه مواجهه با آن بر انسجام اجتماعی و ثبات سیاسی اثر مستقیم دارد. جمهوری اسلامی ایران از ابتدای پیروزی انقلاب تاکنون با اشکال مختلف اعتراض مواجه بوده، اما موضوع مدیریت اعتراض کمتر به‌طور علمی بررسی شده است. این پژوهش با هدف پرکردن این خلأ به مدیریت اعتراض‌ها می‌پردازد. در این پژوهش داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساخت‌یافته با خبرگان (۱۳ مصاحبه با نمونه‌گیری هدفمند و رسیدن به اشباع نظری) و مطالعات کتابخانه‌ای گردآوری و با روش تحلیل مضمونی و مدل SWOT بررسی شده‌اند تا چارچوبی راهبردی برای مدیریت اعتراض‌ها ارائه شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مدیریت اعتراض‌ها در جمهوری اسلامی ایران با مجموعه‌ای از چالش‌های چندبعدی مواجه است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: کمبود چارچوب‌های قانونی به‌روز، نارسایی دستگاه اقلیتی، درک تک‌بعدی از علل اعتراض و فرسایش اعتماد عمومی. هم‌زمان، تهدیدهایی مانند کاهش سرمایه اجتماعی، ادراک بی‌عدالتی و مداخلات خارجی می‌توانند این ضعف‌ها را تشدید کنند. برای مواجهه با این وضعیت، راهبردهایی پیشنهاد شد که بهترین آن‌ها عبارتند از: تدوین قانون جامع اعتراضات و اصلاح ساختارهای نهادی برای مشروعیت‌بخشی؛ بازسازی اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی از طریق گفت‌وگو، شفافیت و میانجی‌گری اجتماعی؛ بازطراحی گفت‌وگو با رسانه‌های بهره‌گیری از نخبگان و فناوری‌های نوین به‌منظور ارتقای اقناع و تحلیل چندبعدی. این مجموعه راهبردها نشان می‌دهد که مدیریت اعتراض‌ها تنها در چارچوب امنیتی ممکن نیست و مستلزم رویکردی جامع و مشروعیت‌ساز است. در نهایت می‌توان چنین جمع‌بندی کرد که مدیریت اعتراض‌ها در ایران و جوامع مشابه، برای دستیابی به پایداری سیاسی، نیازمند اتخاذ رویکردی جامع و تلفیقی است. رویکردی که در عین واکنش مؤثر به تهدیدهای فوری، به ترمیم ضعف‌های نهادی نیز بپردازد و هم‌زمان از ظرفیت‌ها و فرصت‌های اجتماعی و فرهنگی برای بازسازی اعتماد عمومی بهره‌برداری کند. تنها در چارچوب چنین نگرشی است که پدیده اعتراض، به‌جای آن‌که به بحرانی امنیتی بدل شود، می‌تواند به سازوکاری مشروع، نهادینه و کارکردی برای بیان مطالبات شهروندان و تقویت انسجام اجتماعی تبدیل گردد. واژگان کلیدی: اعتراض، مدیریت اعتراض، ثبات سیاسی، جمهوری اسلامی ایران، سوات (SWOT)

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری با موضوع «الگوی جامعه‌شناختی مدیریت اعتراض‌ها در جمهوری اسلامی ایران» در دانشگاه امام صادق (ع) است.

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
(نویسنده مسئول) rezafeizi@isu.ac.ir

۳. استاد گروه جامعه‌شناسی سیاسی، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).

۴. دانشیار گروه مسائل ایران، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).

۵. استادیار گروه جامعه‌شناسی سیاسی، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).

Strategies for Managing Protests in the Islamic Republic of Iran¹

Reza Feizi², Asghar Eftekhari³, Naser Jamal Zadeh⁴, Javad Huseini⁵

Abstract

Protest is a fundamental phenomenon in societies, and the way it is addressed directly affects social cohesion and political stability. Since the victory of the Islamic Revolution, the Islamic Republic of Iran has faced various forms of protests; however, the issue of protest management has received little systematic scholarly attention. This study aims to fill that gap by examining the management of protests. Data were collected through semi-structured interviews with experts as well as library-based research, and were analyzed using thematic analysis within a SWOT framework to develop a strategic model for protest management. The findings reveal that the most significant weaknesses include the absence of a comprehensive law on protests, the ineffectiveness of persuasive mechanisms, a one-dimensional understanding of protest causes, and the erosion of public trust. Threats such as declining social capital, perceptions of injustice, and foreign interventions further exacerbate these weaknesses. The proposed strategies include drafting a comprehensive protest law, rebuilding public trust, improving media discourse, and leveraging intellectuals and modern technologies. Thus, effective protest management requires an integrated and holistic approach that simultaneously ensures rapid responses, addresses institutional weaknesses, and utilizes social and cultural capacities to restore public trust. Within such a framework, protest can be transformed from a security threat into a legitimate and institutionalized mechanism for expressing demands and strengthening social cohesion.

Keywords: Protest, Protest Management, Political Stability, Islamic Republic of Iran, SWOT Analysis

1. This essay is based on a Ph.D thesis entitled “Sociological Model of Protest Management in the Islamic Republic of Iran” in Imam Sadegh University

2. Ph.D Candidate, Political Sociology, Faculty of Islamic Teachings and Political Science, Imam Sadegh University (Writer-in-charge) rezafeizi@isu.ac.ir

3. Lecturer in Political Sociology Department, Faculty of Islamic Teachings and Political Science, Imam Sadegh University

4. Associate Professor, Iran's Affairs Department, Faculty of Islamic Teachings and Political Science, Imam Sadegh University

5. Assistant Professor, Iran's Affairs Department, Faculty of Islamic Teachings and Political Science, Imam Sadegh University



مقدمه

اعتراض در جوامع انسانی پدیده‌ای اجتناب‌ناپذیر است که در اشکال متنوعی همچون نارضایتی، جنبش اجتماعی، منازعه و حتی انقلاب بروز می‌یابد و نقشی اساسی در شکل‌دهی به ساختارهای اجتماعی و سیاسی دارد. این پدیده بازتابی از تعارض منافع در سطوح فردی و جمعی است، اما بیشترین اهمیت آن در نسبت جامعه و حکومت آشکار می‌شود؛ جایی که دولت‌ها همواره در پی فهم ریشه‌های اعتراض و شیوه‌های مواجهه با آن هستند (چلبی، ۱۳۷۵). جمهوری اسلامی ایران از ابتدای پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ تاکنون با اشکال مختلفی از اعتراض مواجه بوده است؛ از درگیری‌های مسلحانه و جنبش‌های قومیتی تا اعتراض‌های سیاسی و معیشتی در دهه‌های اخیر. تجربه‌ی تاریخی جمهوری اسلامی نشان می‌دهد که نگاه امنیتی به اعتراض‌ها، که محصول فضای آغازین انقلاب بوده است، همچنان بر سیاست‌گذاری‌ها سایه افکنده و مانع شکل‌گیری رویکردی همه‌جانبه شده است. در سطح جهانی نیز تحول نظریه‌های سیاسی و اجتماعی، همراه با نقش روزافزون رسانه‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی، اهمیت ابعاد فرهنگی و ارتباطی اعتراض‌ها را دوچندان کرده است (انصاری فرد و صالحی، ۱۴۰۲). این دگرگونی‌ها بیانگر آن است که مدیریت اعتراض‌ها دیگر صرفاً یک مسئله تک‌بعدی نیست، بلکه فرآیندی چندبعدی است که نیازمند بهره‌گیری از رهیافت‌های جامعه‌شناختی، فرهنگی و ارتباطی است (افتخاری، ۱۳۹۷). مدیریت مؤثر اعتراض‌ها در دنیای امروز باید بر پایه راهبردهایی طراحی شود که ضمن پاسخ‌گویی مشروع به مطالبات عمومی، کمترین هزینه را برای حکومت و جامعه به همراه داشته و با مقتضیات حکمرانی مشارکتی و شبکه‌ای سازگار باشد.

یکی از الزامات تحقق «گام دوم انقلاب» و پیشبرد فرایند جامعه‌پردازی در جمهوری اسلامی ایران، توجه جدی به مقوله‌ی مدیریت اعتراض و تدوین راهبردهایی بومی و اجتماعی در این زمینه است. آسیب‌شناسی شیوه‌های موجود مدیریت اعتراض، گامی اساسی برای دستیابی به چنین راهبردهایی محسوب می‌شود؛ راهبردهایی که بتواند خلأهای موجود را پر کرده و زمینه‌ساز تحقق ثبات سیاسی پویا در کشور گردد. هدف این پژوهش شناسایی کاستی‌ها و چالش‌های موجود در الگوهای کنونی مدیریت اعتراض‌ها در جمهوری اسلامی ایران است؛ تا بر این اساس، راهبردهایی برای ارتقای کارآمدی، کاهش هزینه‌های اجتماعی و سیاسی، و افزایش سرمایه اجتماعی در مدیریت اعتراض‌ها ارائه شود.

سؤال اصلی پژوهش حاضر آن است که: چه راهبردهایی باید در مدیریت اعتراض در جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گیرد؟ برای پاسخ به این پرسش، ابتدا نقاط ضعف، تهدیدها، قوت‌ها و فرصت‌های موجود در مدیریت اعتراض، با رجوع به نظرات نخبگان شناسایی و تحلیل شده است. سپس با بهره‌گیری





از این چارچوب تحلیلی، راهبردهای پیشنهادی جهت مدیریت کارآمد و بومی اعتراض‌ها در جمهوری اسلامی تدوین گردیده است.

پیشینه پژوهش و نوآوری

بررسی پژوهش‌های موجود در حوزه مدیریت اعتراض در جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که تاکنون مطالعات انجام‌شده بیشتر به صورت بخشی و جزئی به موضوع پرداخته‌اند و پژوهشی جامع و همسوس با موضوع حاضر به طور مستقیم یافت نشده است. از این رو، نزدیک‌ترین مطالعات مرتبط را می‌توان در قالب برخی آثار پراکنده شناسایی کرد.

افتخاری و نادری در مقاله‌ای با استناد به آیات ۱۲۵ تا ۱۲۸ سوره نحل (افتخاری و نادری اصل، ۱۴۰۳). راهبردهایی برای مدیریت اعتراض ارائه کرده‌اند. محورهای اصلی در این پژوهش شامل تأکید بر رعایت اصول اخلاقی در تمامی مراحل مواجهه با معترضان، توجه به گفت‌وگو و تعامل با آنان، و نیز تفکیک میان معترضان و معاندان است که به عنوان راهبردهای اساسی مطرح شده‌اند. نقطه قوت این پژوهش توجه به مبانی ارزشی و دینی است، اما محدودیت اصلی آن فقدان سازوکارهای نهادی و اجرایی است.

یکی از پژوهش‌های مهم در این زمینه کتاب «مدیریت بحران‌های امنیتی» (با تأکید بر جنبش‌های اجتماعی و اغتشاشات خیابانی) (بیات، ۱۳۹۸). است. این کتاب با رویکردی دانشگاهی و میان‌رشته‌ای، تصویری جامع از بحران و مدیریت آن ارائه می‌دهد. نویسنده با سازمان‌دهی مباحث در سه بخش و چهارده فصل، ابتدا به چیستی و نوع‌شناسی بحران و نیز نظریه‌های شورش و جنبش‌های اجتماعی می‌پردازد و زمینه‌های بین‌المللی و داخلی ناآرامی‌ها را تحلیل می‌کند. سپس با تمرکز بر مدیریت بحران، مدل‌ها و رویکردهای موجود، مراحل پیش‌بینی، پیشگیری، مقابله و بازسازی پس از بحران را بررسی می‌کند. در نهایت، نقش اطلاعات، عملیات روانی، رسانه‌ها و قوانین و مقررات امنیتی به عنوان ابزارها و سازوکارهای کلیدی مدیریت بحران تبیین می‌شود.

نوبخت و دعاگویان پژوهشی با عنوان مدیریت اعتراض‌های اجتماعی و فرهنگی در ایران (نوبخت و همکاران، ۱۳۹۹). با هدف ارائه الگویی بومی برای مدیریت اعتراض‌های اجتماعی در ایران، مبتنی بر فرهنگ عمومی، تدوین کرده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که ریشه‌ها و شیوه‌های مدیریت اعتراض‌ها را می‌توان در ابعاد ساختاری، گفتمانی، ارتباطی و رفتاری سامان داد. نتیجه پژوهش بیانگر دشواری طراحی الگویی جامع به دلیل پیچیدگی فرهنگ عمومی و امنیت در ایران است، هر چند این تحقیق گامی در جهت تبیین آن محسوب می‌شود. نقطه قوت اثر، گستره موضوعی و پرداختن به ابعاد نظری



و عملی مدیریت بحران است؛ اما تمرکز آن بر بحران به‌طور عام و امنیت به‌طور خاص، سبب می‌شود که بحث اعتراض‌های اجتماعی در قالب یک وضعیت خاص و مستقل کمتر مورد واکاوی راهبردی قرار گیرد.

در پژوهشی دیگر با رویکرد رسانه‌ای (آقامحسینی و خجسته باقرزاده، ۱۳۹۱)، نویسندگان نقش فضای مجازی و رسانه‌ها را در مدیریت بحران‌های اجتماعی مورد بررسی قرار داده‌اند. یافته‌های آنان نشان می‌دهد که رسانه‌ها می‌توانند در سه سطح اساسی ایفای نقش کنند: آگاهی‌رسانی به جامعه دوم، راهبری و هدایت افکار عمومی و تأثیرگذاری بر ابعاد روانی و هیجانی بحران با هدف کاهش اضطراب اجتماعی و جلوگیری از تشدید تنش‌ها. بر این اساس، رسانه‌ها نه تنها ابزاری برای اطلاع‌رسانی، بلکه به‌عنوان کنشگری فعال در مدیریت اعتراض‌ها و بحران‌های اجتماعی عمل می‌کنند. مزیت این پژوهش، برجسته‌سازی بعد رسانه‌ای به‌عنوان عاملی کلیدی در مدیریت اعتراض‌هاست، اما محدودیت آن در تک‌بعدی بودن رویکرد و بی‌توجهی به سایر ساحت‌های نهادی، سیاسی و امنیتی است.

عالی‌پور (عالی‌پور، ۱۳۸۶). در پژوهش خود با تمرکز بر مقررات داخلی جمهوری اسلامی ایران، به تحلیل ماهیت اجتماعات اعتراض‌آمیز پرداخته و کوشیده است به این پرسش اساسی پاسخ دهد که چگونه باید اجتماعات اعتراضی را در دو مرحله پیش از وقوع ناآرامی‌ها و پس از بروز رفتارهای غیرقانونی مدیریت کرد. وی تأکید می‌کند که بهره‌گیری از تدابیر قانونی، به‌عنوان مهم‌ترین ابزار حفظ نظم عمومی، نقشی محوری در مدیریت صحیح اعتراض‌های جمعی دارد. رویکرد این پژوهش محدود به سطح حقوقی-ساختاری بوده و از تبیین جامعه‌شناختی، چندبعدی و مبتنی بر داده‌های تجربی غافل مانده است.

وطن‌خواه در پژوهشی با موضوع نقش پلیس در مدیریت اعتراض‌های صنفی (وطن‌خواه، ۱۳۹۲). این پرسش اصلی را دنبال کرده است که «میزان توانمندی، نقش و اثربخشی کلانتری‌ها در پیشگیری از اعتراض‌های صنفی تا چه حد است؟». هدف این مطالعه، ارائه راهکارهایی برای بهینه‌سازی اقدامات و مأموریت‌های نیروهای انتظامی در مواجهه با این نوع اعتراض‌ها بوده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که کلانتری‌های تهران بزرگ نقشی مؤثر در پیشگیری از بروز اعتراض‌های صنفی ایفا کرده‌اند و عملکرد آنان در این حوزه قابل توجه بوده است. وطن‌خواه در پژوهشی دیگر (وطن‌خواه، ۱۳۹۵). کاربست نیروی زنان در یگان‌های ویژه را مورد بررسی قرار داده است. این مطالعه با هدف تحلیل ابعاد مختلف به‌کارگیری زنان در ساختارهای انتظامی و امنیتی انجام شده و تلاش دارد ظرفیت‌ها، چالش‌ها و کارکردهای احتمالی این حضور را در مدیریت تجمعات و اعتراض‌ها تبیین کند. نقطه قوت این مطالعات توجه به بُعد عملیاتی



و امنیتی و ارائه راهکارهای بهینه‌سازی عملکرد پلیس است، اما محدودیت آن‌ها در تک‌ساحتی بودن و تمرکز صرف بر نیروهای انتظامی آشکار است.

یآوری در یک پژوهش نقش فراجاد در مدیریت بحران‌های اجتماعی (یآوری بافقی، ۱۴۰۱). را مورد بررسی قرار داده است. این پژوهش با هدف بررسی نقش و کارکرد واحدهای انتظامی فراجاد در مدیریت بحران‌های اجتماعی و تطبیق عملکرد آن‌ها با مراحل چهارگانه مدیریت بحران انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد که این واحدها توانایی نسبی در پیش‌بینی بحران دارند، اما ساختار مدیریت آن‌ها اقتضایی و فاقد انسجام کافی است و ضعف‌هایی در نظام اطلاعاتی و آموزش نیروها مشاهده می‌شود. قوت این پژوهش توجه به کارکرد نهادهای فراجاد در مدیریت بحران است، اما محدودیت آن در تمرکز صرف بر بُعد انتظامی و امنیتی است.

برخی دیگر از پژوهش‌ها نیز با رویکردی آسیب‌شناسانه صرفاً به بررسی حوزه‌های خاص دخیل در مدیریت اعتراض پرداخته‌اند. (باصری و احمدی، ۱۳۹۵). (حاجی احمدی و همکاران، ۱۴۰۳)، (دستمالچی، ۱۳۸۹) و (صفوی و علیپور، ۱۳۹۰) این مطالعات عمدتاً رویکردی بخشی داشته و در بسیاری از موارد با تمرکز بر یک حوزه محدود یا حتی یک اعتراض خاص انجام شده‌اند.

با توجه به اینکه پژوهش‌های پیشین غالباً به صورت بخشی و محدود به یک بعد خاص اعم از حقوقی، امنیتی، رسانه‌ای یا فرهنگی به موضوع پرداخته‌اند و کمتر تلاشی در جهت یک بررسی تلفیقی و کل‌نگر و سپس ارائه راهبرد صورت گرفته است؛ از این رو، نوآوری پژوهش حاضر در اتخاذ رویکردی جامع‌نگر نهفته است که با تحلیل داده‌های حاصل از مطالعات کتابخانه‌ای و مصاحبه‌های تخصصی، می‌کوشد تصویری فراگیر از مدیریت اعتراض‌ها ارائه دهد و بر پایه آن، راهبردهایی بومی و کاربردی برای بهبود مدیریت اعتراض در جمهوری اسلامی ایران تدوین نماید.

روش پژوهش

پژوهش حاضر با رویکردی تفسیری به شناسایی و تحلیل آسیب‌های موجود در مدیریت اعتراض‌ها پرداخته و در ادامه با اتخاذ رویکردی هنجاری به ارائه راهبردهای مناسب خواهد پرداخت. این تحقیق در زمره‌ی پژوهش‌های کیفی قرار می‌گیرد و برای گردآوری داده‌ها از دو شیوه‌ی مطالعات کتابخانه‌ای و مصاحبه‌های نیمه‌ساخت‌یافته با خبرگان حوزه بهره‌مند شده است. داده‌های حاصل از این دو منبع، با استفاده از روش تحلیل مضمون مورد بررسی قرار گرفته‌اند تا امکان شناسایی الگوها، مفاهیم و مضامین اصلی فراهم شود. در این پژوهش، از مدل SWOT به عنوان چارچوبی تحلیلی بهره گرفته می‌شود تا



نقاط قوت و ضعف درونی و همچنین فرصت‌ها و تهدیدهای بیرونی مرتبط با مدیریت اعتراض‌ها شناسایی و دسته‌بندی شوند. بر مبنای این تحلیل، با استفاده از ماتریس SWOT راهبردهای متناسب استخراج و ارائه خواهند شد. این رویکرد امکان می‌دهد تا فرآیند مدیریت اعتراض‌ها نه صرفاً در سطح آسیب‌شناسی، بلکه در قالب تدوین راهبردهای عملیاتی و مبتنی بر شواهد سامان یابد.

روش کتابخانه‌ای یکی از روش‌های غیرمداخله‌گر در گردآوری داده‌ها به شمار می‌آید. در این شیوه، پژوهشگر بدون آن که در فرآیند تولید داده دخالت مستقیم داشته باشد، به گردآوری، دسته‌بندی و تحلیل منابع علمی موجود می‌پردازد. هدف اصلی در این رویکرد، دستیابی به پیشینه‌ی نظری و تجربی مرتبط با موضوع، شناسایی شکاف‌های دانشی، و ایجاد بنیانی علمی برای تحلیل و مقایسه‌ی یافته‌ها است (ساروخانی، ۱۳۹۳: ۲۵۴-۲۶۲). منابع مورد استفاده در این پژوهش شامل کتاب‌ها و مقالات علمی - پژوهشی منتشر شده در حوزه مدیریت اعتراض‌ها بوده است.

مصاحبه یکی از روش‌های اصلی در گردآوری داده‌های کیفی است که امکان دسترسی به ابعاد عمیق‌تر نگرش‌ها و تجربه‌های اجتماعی را فراهم می‌کند (سیدامامی، ۱۳۹۶: ۱۵). در این پژوهش از مصاحبه نیمه‌ساخت یافته استفاده شده که ضمن داشتن چارچوب مشخص، انعطاف لازم برای طرح پرسش‌های تکمیلی را به پژوهشگر می‌دهد (احمدی جشفقانی و سعیدنهایی، ۱۴۰۲: ۴۸۳). مصاحبه‌شوندگان به صورت کاملاً هدفمند انتخاب و مصاحبه‌ها با دو گروه انجام شد: متخصصان دانشگاهی در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی و کارگزاران دارای تجربه عملی در مدیریت اعتراض‌ها. این ترکیب، داده‌هایی هم از منظر نظری و هم از منظر تجربی فراهم ساخت. با توجه به مطالعات پیشین و با مشورت اساتید راهنما و مشاور، گروهی از اساتید با گرایش‌های متنوع در حوزه‌های امنیتی و علمی به عنوان مشارکت‌کنندگان پژوهش انتخاب شدند. در مرحله نخست، با هشت نفر، شامل چهار نفر از متخصصان دانشگاهی و چهار نفر از کارگزاران دارای تجربه عملی مصاحبه نیمه‌ساختار یافته انجام گرفت. سپس با توجه به نیاز پژوهش به غنای بیشتر داده‌ها، سه نفر دیگر از هر گروه برای انجام مصاحبه‌های تکمیلی برگزیده شدند. در نهایت، با دستیابی به اشباع نظری در مصاحبه‌های دوازدهم و سیزدهم، روند گردآوری داده‌ها متوقف گردید. اشباع نظری در مرحله‌ای حاصل شد که در مباحث مربوط به نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها، مضمون تازه‌ای به داده‌ها افزوده نمی‌شد و صرفاً تفاوت در شیوه بیان مشارکت‌کنندگان مشاهده می‌گردید. پروتکل مصاحبه‌ها بدین صورت طراحی شد که در گام نخست، فهرست پرسش‌ها و راهنمای مصاحبه برای نخبگان ارسال گردید تا امکان آمادگی ذهنی پیش از جلسه فراهم شود. در ادامه، طی جلسات مصاحبه، محورهای اصلی مطرح شده به صورت عمیق به بحث و بررسی گذاشته شد. نکات مطرح شده



توسط مصاحبه‌شوندگان در جریان جلسات مصاحبه به صورت نکته‌ای ثبت گردید و پس از پایان هر جلسه، برای اطمینان از دقت و صحت، به تأیید مصاحبه‌شونده رسید. با توجه به ملاحظات امنیتی و حساسیت موضوع، مصاحبه‌شوندگان با ذکر نام خود در پژوهش موافقت نکردند؛ با این حال در ارائه مطالب و محتوای مصاحبه‌ها هیچ گونه محدودیت دیگری اعمال نشد. از دیگر نکات قابل طرح در بخش مصاحبه‌ها، محدودیت در دسترسی به افراد فعال در این حوزه و همچنین عدم تمایل شمار قابل توجهی از آنان برای مشارکت در مصاحبه‌ها بود.

برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمونی بهره برده شده است. تحلیل مضمون روشی شناخته‌شده در تحقیقات کیفی است که با هدف شناسایی، سازمان‌دهی و تفسیر الگوها یا مضامین در داده‌ها به کار می‌رود. این رویکرد نخستین بار توسط براون و کلارک معرفی شد و به دلیل انعطاف‌پذیری و قابلیت استفاده در حوزه‌های گوناگون از روان‌شناسی تا جامعه‌شناسی و علوم تربیتی، جایگاهی مهم در پژوهش‌های کیفی یافته است (شیخ‌زاده و بنی‌اسد، ۱۳۹۹). تمرکز اصلی این روش، کشف و تحلیل مضامین مشترک در داده‌ها است، نه الزاماً تولید نظریه‌های جدید. تحلیل مضمون فرایندی نظام‌مند برای شناسایی و تفسیر الگوها در داده‌های کیفی است. هرچند نسخه واحد و استاندارد برای آن وجود ندارد، اما مدل شش مرحله‌ای براون و کلارک به عنوان چارچوبی رایج به کار گرفته می‌شود (فیضی و همکاران، ۱۳۹۷). این مراحل عبارتند از: آشنایی با داده‌ها، ایجاد کدهای اولیه، گردآوری داده‌های پشتیبان برای هر کد، گروه‌بندی کدها در قالب مضامین، بازنگری و اصلاح مضامین، ارائه گزارش نهایی (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰).

مدل SWOT یکی از ابزارهای شناخته‌شده و کلیدی در تحلیل‌های راهبردی است که با تمرکز بر چهار بُعد اصلی یعنی نقاط قوت^۱ (ویژگی‌ها و منابع درونی مثبتی که برای سازمان مزیت رقابتی ایجاد می‌کنند)، نقاط ضعف^۲ (حوزه‌هایی که سازمان در آن‌ها عملکرد ضعیف‌تری دارد)، فرصت‌ها^۳ (عوامل بیرونی‌ای که می‌توان از آن‌ها برای رشد و بهبود عملکرد بهره گرفت) و تهدیدها^۴ (چالش‌های بیرونی‌ای که می‌توانند عملکرد سازمان را تضعیف کنند) به شناسایی و طبقه‌بندی عوامل درونی و بیرونی مؤثر بر یک سازمان یا پدیده می‌پردازد (Puy et al., 2023). کارکرد اصلی این مدل، فراهم‌سازی بستری نظام‌مند برای تحلیل وضعیت موجود و ترسیم چشم‌انداز آینده است. بر مبنای ترکیب تحلیل نقاط قوت، ضعف،

1. Strengths
2. Weaknesses
3. Opportunities
4. Threats



فرصت‌ها و تهدیدها، مدل SWOT می‌تواند به‌طور مؤثر برای تولید راهبرد مورد استفاده قرار گیرد. بر اساس این عوامل داخلی و خارجی، مدیران می‌توانند چهار نوع راهبرد توسعه دهند:

- راهبردهای SO: بهره‌گیری از فرصت‌ها از طریق اتکا به نقاط قوت.
- راهبردهای ST: مقابله با تهدیدها با استفاده از نقاط قوت.
- راهبردهای WO: کاهش نقاط ضعف با هدف بهره‌گیری از فرصت‌ها.
- راهبردهای WT: اجتناب از تهدیدها از طریق به حداقل رساندن نقاط ضعف

فرصت (O)		تهدید (T)
قوت (S)	راهبردهای تهاجمی (SO)	راهبردهای دفاعی (ST)
ضعف (W)	راهبردهای بهبود (WO)	راهبردهای کاهش ریسک (WT)

مبانی مفهومی و نظری

در این بخش، مفاهیم کلیدی پژوهش به‌صورت اجمالی اما دقیق مورد بررسی و تعریف قرار می‌گیرند تا امکان دستیابی به فهمی مشترک از واژگان و اصطلاحات به‌کاررفته در متن برای پژوهشگران و خوانندگان فراهم شود. هر مفهوم علمی بر پایه تعاریفی استوار است که به‌طور نظام‌مند چارچوب معنایی آن را روشن می‌سازند. تعریف در علوم اجتماعی، به‌مثابه یک نظام سازمان‌یافته از اصطلاحات عمل می‌کند که می‌تواند در قالب گزاره‌های زبانی، نمادهای منطقی یا حتی مدل‌های ریاضی بیان شود. بدین‌وسیله، تعریف نه‌تنها محدوده مفهومی را مشخص می‌سازد، بلکه پژوهشگران را در فهم، تبیین و تحلیل پدیده‌های اجتماعی یاری می‌دهد (ترنر، ۱۳۸۴: ۱۰-۱۲).

راهبرد

راهبرد^۱ یکی از بنیادی‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین مفاهیم در نظریه مدیریت و سازمان به‌شمار می‌آید. این اصطلاح از واژه یونانی باستانی strategos گرفته شده است که به معنای «مقام ژنرال، فرمانده، رهبر و رهبری کردن» است (Okigbo, 2014). هرچند ریشه‌های راهبرد در کاربردهای نظامی قرار دارد، اما این مفهوم به‌تدریج به یک مفهوم میان‌رشته‌ای تکامل یافته و

1. Strategy



حوزه‌هایی همچون مدیریت کسب و کار، رفتار سازمانی و نظریه بازی‌ها را در بر گرفته است. مفهوم راهبرد، هم هنر برنامه‌ریزی و هم علم اجرا را شامل می‌شود و مستلزم توجه دقیق به اهداف، منابع و عوامل محیطی برای رسیدن به اهداف است (Gillespie, 2024).

مدیریت

مفهوم مدیریت و اداره کردن پدیده‌ای صرفاً مدرن نیست، بلکه ریشه در تاریخ دارد و از گذشته‌های دور به عنوان ابزاری برای سامان‌دهی، نظم‌بخشی و هدایت جوامع به کار گرفته شده است. با این حال، در دوران معاصر و به‌ویژه با ظهور مدیریت علمی، این مفهوم صورت‌بندی نظام‌مندتری یافته و در قالب مکاتب گوناگون بروز کرده است (Stetz, 2021). هر یک از این مکاتب نمایانگر مجموعه‌ای متنوع از نظریه‌ها و رویکردها هستند که در طول تاریخ بر رفتار سازمانی، فرآیند تصمیم‌گیری و الگوهای اداره امور تأثیر گذاشته و مسیر تحول مدیریت را ترسیم کرده‌اند (Wren & Bedeian, 2020).

مدیریت به عنوان یک فرآیند پویا و نظام‌مند، مجموعه‌ای از فعالیت‌ها را شامل می‌شود که در آن منابع انسانی و مادی به صورت اثربخش و کارآمد در راستای برنامه‌ریزی، سازماندهی، بسیج امکانات، هدایت و کنترل به کار گرفته می‌شوند تا در چارچوب یک نظام ارزشی پذیرفته‌شده، تحقق اهداف سازمانی امکان‌پذیر گردد (رضائیان، ۱۳۸۲، ص ۷). ماهیت مدیریت در هدایت و هماهنگ‌سازی تشکیلات انسانی نهفته است و کارآمدی آن به توانایی در اتخاذ تصمیم‌های مناسب، تخصیص بهینه منابع و استفاده مدبرانه از امکانات وابسته است. بدین ترتیب، مدیریت نقشی اساسی در ساماندهی و بهینه‌سازی فرآیندهای سازمانی ایفا کرده و دستیابی به نتایج مطلوب را تسهیل می‌سازد.

اعتراض

اعتراض در لغت به معنای مخالفت، بازخواست و انتقاد آمده (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۹۰۸، ج ۲) و معادل واژه‌ی انگلیسی Protest است. در حوزه‌ی جامعه‌شناسی سیاسی، اعتراض نوعی کنش اجتماعی تلقی می‌شود که به صورت فردی یا جمعی برای ابراز مخالفت با یک وضعیت موجود یا روند شکل‌گیرنده انجام می‌گیرد. این کنش می‌تواند در قالب اعتراض‌های مدنی، تظاهرات، اعتصابات یا سایر اشکال رفتار جمعی بروز یابد و هدف آن معمولاً تغییر یا اصلاح شرایط موجود است (Fahlenbrach et al., 2016). از منظر کارکردگرایانه، اعتراض یکی از ابزارهای کلیدی در



فرآیند تصمیم‌گیری عمومی است؛ چراکه علاوه بر ابراز ناراضی، فرصتی برای تعامل و گفت‌وگوی سازنده میان دولت و جامعه مدنی فراهم می‌آورد (Gillion, 2013). به همین دلیل، اعتراض‌ها می‌توانند نقشی تحول‌آفرین در سیاست‌گذاری ایفا کنند و به‌عنوان مؤلفه‌ای بنیادین در تقویت پاسخگویی و بهبود حکمرانی دموکراتیک شناخته شوند. در نهایت اعتراض را می‌توان چنین تعریف کرد: هر نوع کنش آشکار و هدفمند که از سوی فرد یا گروهی از افراد، بیرون از ساختارهای رسمی قدرت و نهادهای حکومتی انجام گیرد و به‌منظور بیان ناراضی، مخالفت یا مطالبه‌گری نسبت به وضعیت موجود صورت پذیرد، اعتراض نامیده می‌شود.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

پس از تدوین سؤالات مصاحبه بر اساس مطالعات اولیه، فرآیند گردآوری داده‌ها با چهار سؤال اصلی منطبق بر چارچوب SWOT آغاز گردید. محتوا و متن تایید شده توسط مصاحبه‌شوندگان در نرم‌افزار MAXQDA وارد شد تا مراحل کدگذاری صورت گیرد. در مرحله نخست کدگذاری، تعداد ۱۹۷ کد اولیه از مجموع سیزده مصاحبه استخراج گردید. در ادامه، این کدها از طریق فرایند به‌گزینی، ترکیب، تلفیق و در برخی موارد حذف موارد کم‌ارتباط، به ۱۵۰ مضمون پایه کاهش یافت. مضامین پایه پس از مقایسه بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌ها، در قالب ۲۹ مفهوم سازمان‌دهنده مقوله‌بندی شدند. نهایتاً، مفاهیم مذکور در چارچوب چهار مضمون فراگیر نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها طبقه‌بندی گردیدند.

برای سنجش پایایی و اعتبار تحلیل مضمونی در این پژوهش، مجموعه‌ای از اقدامات صورت گرفت. نخست، فرایند کدگذاری توسط پژوهشگر اصلی و با بازبینی مکرر داده‌ها انجام شد تا اطمینان از ثبات در استخراج کدها حاصل شود. سپس برای افزایش قابلیت اعتماد، بخشی از داده‌ها به‌صورت موازی توسط پژوهشگری دیگر باز کدگذاری گردید و میزان همگرایی نتایج با استفاده از توافق بین کدگذاران بررسی شد. علاوه بر این، به‌منظور ارتقای روایی، یافته‌ها پس از استخراج مضامین با خود برخی از مشارکت‌کنندگان تطبیق داده شد تا از دقت و انطباق آن‌ها با نظرات واقعی مصاحبه‌شوندگان اطمینان حاصل گردد.

نکته‌ای که باید به آن توجه داشت، همپوشانی معنایی و مفهومی میان برخی از نقاط قوت و فرصت‌ها و نیز میان برخی از نقاط ضعف و تهدیدهاست. تمایز این موارد در فرآیند دسته‌بندی، بر اساس داخلی یا خارجی بودن عامل صورت گرفته است. به این معنا که هرگاه مسئله از منظر

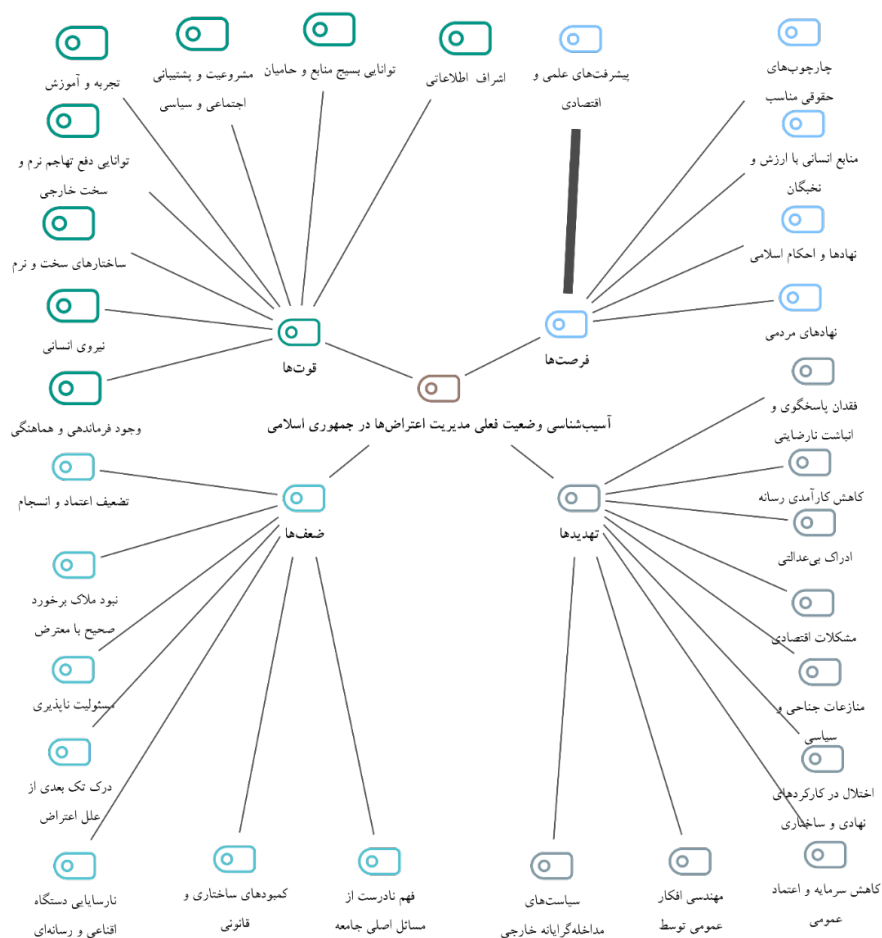


مصاحبه‌شوندگان مرتبط با وظایف و کارکردهای مستقیم مسئولان حوزه «مدیریت اعتراض» باشد، در بخش عوامل داخلی (نقاط قوت و ضعف) جای گرفته است. در مقابل، زمانی که عامل مورد نظر خارج از حوزه مسئولیت مستقیم مدیران قرار داشته و بیشتر به شرایط محیطی و بیرونی مربوط می‌شود، در دسته تهدیدها و فرصت‌ها قرار داده شده است. برای نمونه، نیروی انسانی حامی نظام در صورتی که به شکل فعال در مدیریت اعتراض‌ها نقش‌آفرینی کند، به‌عنوان یک نقطه قوت شناسایی می‌شود؛ در حالی که ظرفیت‌های نخبگانی موجود در کشور که می‌توانند در فرآیند مدیریت اعتراض‌ها مورد بهره‌برداری قرار گیرند، به‌مثابه یک فرصت تعریف می‌شوند.

آسیب‌شناسی وضعیت فعلی مدیریت اعتراض‌ها در جمهوری اسلامی	0
قوت‌ها	0
ساختارهای سخت و نرم	12
اشراف اطلاعاتی	9
تجربه و آموزش	6
وجود فرماندهی و هماهنگی	4
توانایی دفع تهاجم نرم و سخت خارجی	4
مشروعیت و پشتیبانی اجتماعی و سیاسی	4
نیروی انسانی	3
توانایی بسیج منابع و حامیان	3
ضعف‌ها	0
کمبودهای ساختاری و قانونی	15
نبود ملاک برخورد صحیح با معترض	11
نارسایی دستگاه اقتاعی و رسانه‌ای	8
فهم نادرست از مسائل اصلی جامعه	8
درک تک بعدی از علل اعتراض	4
مسئولیت ناپذیری	1
تضعیف اعتماد و انسجام	1
فرصت‌ها	0
چارچوب‌های حقوقی مناسب	7
نهادهای مردمی	5
منابع انسانی با ارزش و نخبگان	4
نهادهای احکام اسلامی	2
پیشرفت‌های علمی و اقتصادی	1
تهدیدها	0
سیاست‌های مداخله‌گرایانه خارجی	14
کاهش سرمایه و اعتماد عمومی	6
مهندسی افکار عمومی توسط دشمنان	5
اختلال در کارکردهای نهادی و ساختاری	4
مشکلات اقتصادی	3
فقدان پاسخگوی و انباشت نارضایتی	3
ادراک بی‌عدالتی	2
منازعات جناحی و سیاسی	1
کاهش کارآمدی رسانه	1



در بخش‌های بعدی، هر یک از این مضامین و زیرمجموعه‌های آن مورد تحلیل تفصیلی قرار خواهند گرفت و در مرحله پایانی با استفاده از ماتریس SWOT، راهبردهای متناسب برای مدیریت اعتراض ارائه می‌شود.



قوت‌ها

همانگونه که بیان شد نقاط قوت به‌مثابه مزیت‌های رقابتی قابل شناسایی‌اند. تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها و کدگذاری انجام‌شده بر اساس دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان، منجر به استخراج هفت مضمون سازمان‌دهنده به‌عنوان مهم‌ترین نقاط قوت در مدیریت اعتراض‌ها گردید.



- ✦ قوت‌ها
 - ✦ ساختارهای سخت و نرم
 - ✦ مجلس
 - ✦ نیروهای انتظامی
 - ✦ قوه قضائیه
 - ✦ تجهیزات مناسب
 - ✦ اشراف اطلاعاتی
 - ✦ سرعت عمل در مهار اولیه بحران‌ها
 - ✦ توانایی رصد و تحلیل اطلاعات محلی
 - ✦ قابلیت جمع‌آوری اطلاعات از بستر اعتراضات
 - ✦ سرعت شناسایی و تفکیک معترضان از اغتشاشگران
 - ✦ تجربه و آموزش
 - ✦ تجربه قبلی در مواجهه با سناریوهای مشابه
 - ✦ آمادگی و واکنش سریع یگان ویژه و نیروهای بسیج
 - ✦ تجربه و آموزش نیروها در کنترل جمعیت و استفاده از تجهیزات ضدشورش
 - ✦ تجربه تاریخی در مواجهه با چالش‌ها
 - ✦ تجربه در مدیریت شرایط اضطراری
 - ✦ تجربه طولانی در برگزاری انتخابات و تجمعات
 - ✦ وجود فرماندهی و هماهنگی
 - ✦ وحدت فرماندهی در مواجهه با بحران
 - ✦ وجود نهادهای عمیق برای ریشه‌یابی مشکلات (مثل شورای عالی امنیت م)
 - ✦ هماهنگی نسبتاً خوب بین نهادهای امنیتی و انتظامی در صحنه
 - ✦ وجود ساختارهای فرماندهی منسجم در لحظات بحران
 - ✦ توانایی دفع تهاجم نرم و سخت خارجی
 - ✦ برخورد قاطع با گروهک‌های مسلح و تروریستی داخلی و خارجی
 - ✦ قدرت بازدارندگی در برابر توطئه‌های خارجی
 - ✦ مشروعیت و پشتیبانی اجتماعی و سیاسی
 - ✦ توانایی حفظ انسجام ساختار قدرت در برابر فشارها
 - ✦ حمایت قاطع حاکمیت از نیروهای امنیتی
 - ✦ حفظ جایگاه ولی فقیه به عنوان فصل‌الخطاب در بحران‌ها
 - ✦ حمایت بخش قابل توجهی از جامعه از کلیت نظام در مواجهه با ناآرامی
 - ✦ نیروی انسانی
 - ✦ قابلیت استفاده از نیروهای ذخیره و بسیج برای گسترده‌ی عملیات
 - ✦ انگیزه بالای نیروها در دفاع از امنیت ملی
 - ✦ تخصص و فداکاری نیروهای حافظ امنیت
 - ✦ توانایی بسیج منابع و حامیان
 - ✦ توانایی نظام در بسیج نیروهای مردمی در مواقع لزوم (مثل راهپیمایی)
 - ✦ قابلیت سازماندهی نیروهای وفادار به نظام
 - ✦ توانایی نظام در بسیج منابع و امکانات برای کنترل بحران

یکی از محورهای اصلی این مضامین، وجود «ساختارهای سخت و نرم» است؛ عناصری که به‌عنوان بسترهای نهادی و تجهیزاتی برای هرگونه مدیریت کارآمد اعتراض ضرورت دارند. در واقع، بدون برخورداری از نهادهای مؤثر و زیرساخت‌های لازم، امکان سامان‌دهی ابتدایی به اعتراض‌ها فراهم نخواهد شد. در این چارچوب، قوه قضائیه، مجلس شورای اسلامی و نیروی انتظامی بیش از



دیگر نهادها در روایت مصاحبه‌شوندگان برجسته شده‌اند. به‌ویژه مجلس شورای اسلامی، به‌عنوان یکی از ارکان بنیادین نمایندگی سیاسی در نظام جمهوری اسلامی ایران، جایگاهی مضاعف در فرآیند مدیریت اعتراض‌ها به خود اختصاص داده است. این نهاد با بهره‌گیری از دو کارکرد اساسی خود (یعنی کارویژه نظارتی و کارویژه قانون‌گذاری) قادر است نقش مهمی در پیشگیری از تشدید نارضایتی‌های اجتماعی ایفا نماید. نمایندگان مردم می‌توانند از طریق پیگیری مطالبات اجتماعی، ارائه طرح‌های قانونی جهت قاعده‌مند کردن شیوه‌های اعتراض، و نیز اعمال نظارت بر نهادهای اجرایی، به کاهش پیامدهای منفی اعتراض‌ها و جلوگیری از انسداد سیاسی کمک کنند. بر اساس تحلیل داده‌های پژوهش، بخش قابل توجهی از مصاحبه‌شوندگان بر این باور بوده‌اند که مجلس توانسته است در این حوزه تا حدودی عملکرد مثبتی داشته باشد، هرچند میزان اثربخشی آن همچنان محل تأمل و نیازمند تقویت ساختاری و کارکردی است.

یکی از مهم‌ترین موارد مورد تأکید مصاحبه‌شوندگان، اشراف اطلاعاتی سازمان‌های امنیتی و اطلاعاتی کشور بود. این توانمندی به‌عنوان یک نقطه قوت، در سرعت عمل در مهار اولیه بحران، قابلیت رصد و تحلیل داده‌های اطلاعاتی و همچنین ظرفیت‌های سایبری نمود پیدا می‌کند. چنین عاملی می‌تواند با عملکرد دقیق خود، از امنیتی شدن بیش از حد اعتراض‌ها و انحراف آن‌ها از مسیر مطالبات اصلی جامعه جلوگیری نماید. برخی از مصاحبه‌شوندگان نیز نمونه‌هایی از اعتراض‌ها را ذکر کردند که در آن، رصد اطلاعاتی و شناسایی دقیق، مانع از تبدیل یک اعتراض محدود به اغتشاش گسترده شده بود.

یکی از نقاط قوت مورد اشاره مصاحبه‌شوندگان، انباشت تجربه در مواجهه با اعتراض‌ها بود؛ تجربه‌ای که به‌دلیل تعدد رخدادها در سال‌های اخیر شکل گرفته و زمینه اصلاح و بهبود روندهای مدیریت و برخورد با معترضان را فراهم کرده است.

از دیگر موارد برجسته‌شده، فرماندهی مشترک و هماهنگی در سطوح عالی مدیریتی است که به‌عنوان عاملی مهم در کارآمدی مدیریت اعتراض‌ها شناخته می‌شود. با این حال، مصاحبه‌شوندگان تأکید داشتند که ایجاد هماهنگی در سطوح میانی و پایین نیز ضرورتی جدی دارد و باید در دستور کار قرار گیرد.

همچنین، وجود نیروی انسانی وفادار و حامیان پایدار نظام از دیگر نقاط قوت مطرح‌شده است. از منظر تحلیل سیاسی، نظامی که توانایی بسیج و اتکاء به حامیان خود در شرایط بحرانی را داشته باشد، می‌تواند تا حد زیادی ثبات سیاسی خویش را تضمین نماید.



ضعف‌ها

ضعف‌ها به آن دسته از نکاتی اطلاق می‌شوند که، نخست، واجد جنبه‌ای درونی و داخلی نسبت به موضوع باشند و دوم، کاستی‌ها و نارسایی‌های مرتبط با آن را آشکار سازند. تحلیل دیدگاه‌های نخبگان در این زمینه منجر به شناسایی هفت مضمون سازمان‌دهنده در حوزه ضعف‌ها گردیده است.

- ▼ ضعیف‌ها
 - ▼ کمبودهای ساختاری و قانونی
 - بروکراسی اداری
 - نبود ساختار و قانون اعتراض کامل
 - کمبود ظرفیت‌های گفتگو محور برای حل مناقشات
 - عدم اعتماد برخی گروه‌ها به سازوکارهای قانونی موجود
 - ▼ نبود ملاک برخورد صحیح با معترض
 - عدم وجود یک سند جامع و عملیاتی برای مدیریت اعتراضات
 - عدم شفافیت و پاسخگویی در قبال نحوه برخورد با معترضان
 - سرکوب آزادی بیان و تجمع
 - نبود آموزش کافی در حوزه ارتباطات غیرقهرآمیز (+)
 - اتکای بیش از حد به راه‌حل‌های سخت‌افزاری
 - عدم تفکیک بین اعتراض و اغتشاش (+) (+)
 - ▼ نارسایی پایگاه اقناعی و رسانه‌ای
 - ناتوانی اقناعی
 - ناتوانی رسانه
 - ▼ فهم نادرست از مسائل اصلی جامعه
 - مشکل در پذیرش نقد سازنده
 - نادیده گرفتن مطالبات مشروع
 - ناتوانی در مدیریت انتظارات جامعه (+)
 - فاصله گرفتن برخی مسئولین از مردم (+)
 - سیاسی‌کاری در برخی بررسی‌ها و نظارت‌ها
 - تمرکز بر مسائل خرد به جای مسائل کلان
 - ▼ درک تک بعدی از علل اعتراض
 - تمرکز بیش از حد بر علل بیرونی و نادیده گرفتن نارضایتی‌های درونی
 - محدودیت در ارائه راه‌حل‌های ریشه‌ای برای مسائل اقتصادی و اجتماع
 - عدم پذیرش ریشه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اعتراضات
 - عدم شناخت کافی از ریشه‌های عمیق اجتماعی اعتراضات
 - ▼ مسئولیت ناپذیری
 - عدم مسئولیت‌پذیری مقامات در قبال عملکردشان
 - ▼ تضعیف اعتماد و انسجام
 - تضعیف اعتماد عمومی به حاکمیت به دلیل برخوردهای سختگیرانه

از منظر نخبگان، یکی از ضعف‌های اساسی در مدیریت اعتراض‌ها، فقدان ساختارها و قوانین شفاف برای سامان‌دهی امر اعتراض است. وجود چارچوب‌های قانونی و نهادی می‌تواند از یک‌سو



امکان شنیده شدن صدای معترضان را فراهم سازد و از سوی دیگر، ابزارهایی برای حفظ نظم عمومی و جلوگیری از بروز اغتشاش در اختیار حاکمیت قرار دهد. به باور کارشناسان، نبود قوانین جامع و همه‌جانبه در این حوزه یکی از مهم‌ترین خلأهای کنونی به شمار می‌رود.

ضعف جدی دیگر، نارسایی در حوزه اقناع و کارکرد رسانه‌ای کشور در قبال اعتراض‌هاست. ناکارآمدی دستگاه‌های مسئول در تبیین مسائل و پاسخ‌گویی به افکار عمومی، در کنار برداشت‌های نادرست و شکاف ارتباطی با جامعه، از عوامل مهم شکل‌گیری تنش‌ها و ناآرامی‌های اجتماعی قلمداد می‌شوند. رسانه‌های رسمی کشور نیز به‌عنوان یکی از بازیگران کلیدی در این عرصه، از دید کارشناسان با ضعف‌های ساختاری و کارکردی قابل توجهی مواجه‌اند.

همچنین، نگاه تک‌بعدی متولیان امر به پدیده اعتراض و تمرکز بر برخی ابعاد محدود، در حالی که رویکردی جامع و چندساحتی ضرورت دارد، از دیگر کاستی‌های اساسی شناسایی شده است. در کنار این موارد، فاصله گرفتن رویکرد مسئولان از نیازهای واقعی جامعه و کم‌رنگ بودن مسئولیت‌پذیری در موقعیت‌های حساس نیز به‌عنوان ضعف‌هایی جدی در فرآیند مدیریت اعتراض‌ها مورد اشاره نخبگان قرار گرفته است.

فرصت‌ها

فرصت‌ها به آن دسته از موقعیت‌هایی اطلاق می‌شوند که خارج از اختیار مستقیم موضوع قرار دارند، اما امکان بهره‌برداری و استفاده مؤثر را برای آن فراهم می‌سازند. بر اساس کدگذاری داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، چهار مضمون سازمان‌دهنده در حوزه فرصت‌ها شناسایی شد. یکی از مهم‌ترین و پرتأکیدترین فرصت‌ها در زمینه مدیریت اعتراض‌ها در جمهوری اسلامی ایران، اصل ۲۷ قانون اساسی است که به اعتراض و تجمعات، مشروعیت حقوقی بخشیده است. کارشناسان بر این باور بودند که وجود قوانین مکمل و ساختارهای قانونی متناسب در کنار این اصل می‌تواند در جهت تأمین حداکثری منافع ملی کارکرد داشته باشد.

در کنار این بُعد حقوقی، نهادهای مردمی نظیر مسجد، پایگاه‌های اجتماعی، نهادهای خیریه و همچنین نهادهای فقهی و رهبری، از جمله فرصت‌های بالقوه‌ای به‌شمار می‌روند که می‌توانند از مراحل پیش از اعتراض تا پس از آن نقش‌آفرینی کنند و باید مورد توجه قرار گیرند.

همچنین، ظرفیت‌های منابع انسانی و نخبگانی یکی دیگر از فرصت‌های اساسی مطرح شده است.



به اعتقاد نخبگان، در صورت فعال‌سازی و بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها، می‌توان بخشی از پیامدهای منفی اعتراض‌ها را کاهش داد و به مدیریت متوازن‌تری در این حوزه دست یافت.

- ▼ فرصت‌ها
 - ▼ چارچوب‌های حقوقی مناسب
 - ظرفیت اصل ۲۷ قانون اساسی
 - تفسیر فقهی و حقوقی جدید از اصول مربوط به آزادی‌ها و حقوق شهروند
 - نقش نظارتی مجلس در پاسخگویی وزرا
 - ظرفیت تحقیق و تفحص برای ریشه‌یابی مشکلات
 - امکان تصویب قوانین برای شفافیت عملکرد تمام نهادها
 - همکاری با مجلس برای تدوین قوانین جامع‌تر در خصوص تجمعات
 - شوراهای تأمین برای حل و فصل مسائل قبل از بحرانی
 - ▼ نهادهای مردمی
 - مساجد و پایگاه‌های مردمی
 - مشارکت قابل توجه مردم در اداره امور
 - سازمان‌های مردم‌نهاد اجتماعی
 - ▼ منابع انسانی با ارزش و نخبگان
 - وجود دانشجویان و متخصصان در حوزه نظریه‌پردازی اعتراض
 - ظرفیت‌های فرهنگی و هنری برای تبیین و آگاهی‌بخشی
 - حضور جامعه‌شناسان و روانشناسان متخصص در امور اجتماعی
 - ▼ نهادها و احکام اسلامی
 - ظرفیت و جایگاه رهبری برای وحدت‌آفرینی و آرام‌سازی
 - قدرت گفتمان فقه حکومتی برای حل مسائل مستحدثه
 - پیشرفت‌های علمی و اقتصادی

تهدیدها

تهدیدها به عواملی اشاره دارند که خارج از حوزه اختیار مستقیم موضوع قرار داشته، اما می‌توانند در مسیر آن محدودیت‌ها و موانع جدی ایجاد کنند. بر اساس کدگذاری و تحلیل مصاحبه‌ها، در مجموع ۹ مضمون سازمان‌دهنده در این حوزه شناسایی شد.

از منظر مصاحبه‌شوندگان، مهم‌ترین تهدید متوجه مدیریت اعتراض‌ها در جمهوری اسلامی ایران، مداخلات خارجی در ابعاد امنیتی، نظامی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است. به اعتقاد آنان، دشمنان جمهوری اسلامی بیشترین نقش را در منحرف کردن مسیر اعتراض‌ها و تولید نارضایتی‌های اجتماعی ایفا می‌کنند. این مداخلات عمدتاً از طریق ابزارهایی چون رسانه‌ها و جنگ شناختی، تغییر نگرش و ادراک عمومی، اعمال تحریم‌های اقتصادی، فشارهای سیاسی



و حمایت از گروه‌های مخالف یا جریان‌های تروریستی صورت می‌گیرد و تهدیدی جدی برای مدیریت اعتراض‌ها محسوب می‌شود.

در کنار این عامل بیرونی، مجموعه‌ای از چالش‌های داخلی نیز به‌عنوان تهدیدات اثرگذار مطرح شدند. از جمله این موارد می‌توان به مشکلات اقتصادی، اختلال در کارکرد نهادها، فقدان پاسخ‌گویی و شفافیت، منازعات سیاسی و جناحی، ادراک گسترده از بی‌عدالتی و وجود فساد، و همچنین کاهش کارآمدی رسانه‌های داخلی در برابر سلطه رسانه‌های بازیگران خارجی اشاره کرد. این عوامل در مجموع ظرفیت مدیریت اعتراض‌ها را با محدودیت‌های جدی مواجه می‌سازند.

- ▼ ● تهدیدها
 - ▼ ● سیاست‌های مداخله‌گرایانه خارجی
 - ▶ ● نظامی و امنیتی
 - ▶ ● رسانه‌ای
 - ▶ ● فرهنگی - اجتماعی
 - ▶ ● سیاسی
 - ▶ ● اقتصادی
 - ▼ ● کاهش سرمایه و اعتماد عمومی
 - ▶ ● عدم توانایی در ایجاد آینده‌ای با ثبات برای کشور
 - ▶ ● اعتمادسوزی در جامعه به دلیل برخوردها
 - ▶ ● تضعیف اعتماد عمومی به دلیل عدم پاسخگویی کافی
 - ▶ ● از دست رفتن سرمایه اجتماعی نظام
 - ▶ ● ناامیدی بخشی از مردم از تحقق مطالباتشان
 - ▶ ● بی‌اعتمادی مردم به نقش نمایندگان در حل مشکلات
 - ▼ ● اختلال در کارکردهای نهادی و ساختاری
 - ▶ ● عدم هماهنگی کافی بین دستگاه‌های مختلف در زمان بحران
 - ▶ ● تضعیف نقش نهادهای رسمی در حل مشکلات
 - ▶ ● عدم همکاری دولت و سایر قوا با مجلس در برخی موارد
 - ▶ ● کم‌رنگ شدن نقش مجلس در حل مسائل کلان کشور
 - ▼ ● مشکلات اقتصادی
 - ▶ ● عدم برآورده شدن مطالبات اقتصادی
 - ▶ ● داوم نارضایتی‌های اقتصادی و اجتماعی که بستر را برای اعتراضات
 - ▶ ● کمبود منابع برای رسیدگی به همه جوانب نارضایتی‌ها
 - ▼ ● فقدان پاسخگویی و انباشت نارضایتی
 - ▶ ● عدم پاسخگویی سریع به مطالبات برحق مردم
 - ▶ ● انباشت نارضایتی‌ها و تبدیل شدن آن‌ها به انفجارهای بزرگ‌تر
 - ▼ ● ادراک بی‌عدالتی
 - ▶ ● ضعف در مبارزه با فساد
 - ▶ ● افزایش شکاف طبقاتی و حس بی‌عدالتی
 - ▼ ● منازعات جناحی و سیاسی
 - ▶ ● جناح‌گرایی و دعوای سیاسی در مجلس که مانع از رسیدگی به مسائل
 - ▼ ● کاهش کارآمدی رسانه
 - ▶ ● ناتوانی در رقابت رسانه‌ای با جریان‌های معاند



ماتریس SWOT و ارائه راهبردها

در این بخش و پس از تبیین و تحلیل نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای پیش‌روی مسئله مدیریت اعتراض، با بهره‌گیری از ماتریس SWOT، مجموعه‌ای از راهبردهای پیشنهادی در حوزه مدیریت اعتراض استخراج و ارائه خواهد شد. این راهبردها مبتنی بر داده‌های گردآوری شده در این پژوهش بوده و می‌کوشند نسبت به تلفیق ظرفیت‌ها و کاستی‌ها با فرصت‌ها و تهدیدهای محیطی، مسیرهای عملی برای ارتقای کارآمدی در مدیریت اعتراض ترسیم نمایند.

برای استخراج و ارائه راهکارهای موجه و دارای اولویت، کلیه نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها بر اساس میزان اهمیت آن‌ها در دیدگاه مصاحبه‌شوندگان رتبه‌بندی شده‌اند. این رتبه‌بندی با استفاده از معیار بسامد و تکرار مضامین در میان دیدگاه‌های مختلف صورت گرفته است. با این تکنیک مضامین سازمان‌دهنده به ترتیب پر تکرارترین تا کم تکرارترین مضامین در هر بخش (SWOT) در ماتریس جایگذاری شدند. در این بخش، راهبردهای پیشنهادی بر اساس نتایج حاصل از ماتریس SWOT در چهار دسته‌ی اصلی ارائه و تحلیل خواهند شد.



• راهبردهای (SO) تهاجمی: بهره‌گیری از فرصت‌ها از طریق اتکا به نقاط قوت.

پیشرفت‌ها	نهادهای اسلامی	نخبگان	نهادهای مردمی	تدابیر مناسب	SO
➤ تدوین قانون جامع اعتراض‌ها و راهپیمایی‌ها با مشارکت نخبگان ➤ تشکیل و ساماندهی شبکه‌های اطلاعاتی مردمی و محلی ➤ تقویت سازوکارهای هماهنگی میان فرماندهان ➤ تقویت توان امنیتی و دفاعی ➤ بهره‌گیری از فناوری‌های نوین برای پیش‌بینی و خنثی‌سازی مداخلات خارجی در بستر اعتراض‌ها ➤ تقویت گفت‌وگوهای اجتماعی و سازوکارهای میانجی‌گری از طریق نهادهای مردمی ➤ تخصیص منابع مالی و انسانی برای حمایت از پروژه‌های علمی و سیاست‌پژوهی در زمینه اعتراض‌ها ➤ تقویت امنیت محله محور					ساختارهای سخت و نرم
					اشراف اطلاعاتی
					تجربه و آموزش
					وجود فرماندهی و هماهنگی
					توانایی دفع تهاجم دشمن
					پشتیبانی اجتماعی و سیاسی
					نیروی انسانی حامی
					توانایی بسیج منابع



• راهبردهای (ST) دفاعی: مقابله با تهدیدها با استفاده از نقاط قوت.

ST	سیاست‌های مداخله‌گرایانه	کاهش سرمایه و اعتماد عمومی	اختلال در کارکرد	مشکلات اقتصادی	انباشت نارضایتی	ادراک بی‌عدالتی	منازعات جناحی	کاهش کارآمدی رسانه
ساختارهای سخت و نرم	➤ تقویت سازوکارهای ساختاری (امنیتی-رسانه‌ای) برای مقابله فعال و بازدارنده با مداخلات خارجی ➤ طراحی اقدامات هدفمند برای بازسازی سرمایه اجتماعی ➤ آموزش نیروهای میدانی و مدیران به منظور مدیریت اعتراض با رویکرد کم‌هزینه و مبتنی بر اقلیت ➤ استفاده از حمایت‌های سیاسی و اجتماعی برای اصلاحات تدریجی و پاسخ‌گویی به مطالبات عدالت‌محور ➤ بهره‌گیری از نیروهای انسانی و نخبگان اجتماعی برای تقویت روایت‌های ملی و بومی در برابر رسانه‌های بیگانه ➤ ایجاد بسترهای قانونی و آموزش عمومی برای اعتراض ➤ فعالسازی دیپلماسی منطقه‌ای برای کاهش فشارهای خارجی	اشراف اطلاعاتی	تجربه و آموزش	وجود فرماندهی و هماهنگی	توانایی دفع تهاجم دشمن	پشتیبانی اجتماعی و سیاسی	نیروی انسانی حامی	توانایی بسیج منابع



• راهبردهای (WO) بهبود: کاهش نقاط ضعف با هدف بهره‌گیری از فرصت‌ها.

پیشرفت‌ها	نهاد‌های اسلامی	نخبگان	نهاد‌های مردمی	چارچوب‌های حقوقی مناسب	WO
➤ بهره‌گیری از فرصت‌های قانونی موجود برای بازطراحی ساختارها و نهاد‌های مرتبط با مدیریت اعتراض ➤ بازطراحی گفتمان اقناعی و رسانه‌ای با مشارکت نخبگان علوم اجتماعی و ارتباطات برای ارتقای اثربخشی پیام‌ها ➤ تکیه بر نهاد‌های اسلامی به‌عنوان مرجع اجتماعی برای تبیین درست مسائل و هدایت افکار عمومی ➤ بهره‌گیری از ابزارهای علمی و فناوری‌های نوین (مانند داده‌کاوی و تحلیل اجتماعی) برای شناسایی چندبعدی علل اعتراض ➤ ایجاد سازوکارهای پاسخ‌گویی با مشارکت نخبگان و نهاد‌های مدنی برای الزام مسئولان به شفافیت و مسئولیت‌پذیری ➤ تبیین دستاوردها و پیشرفت‌ها در حوزه‌های مختلف برای مردم					کمبودهای ساختاری و قانون
					نبود ملاک برخورد صحیح
					نارسایی دستگاه اقناعی
					فهم نادرست از مسائل اصلی
					درک تک‌بعدی از علل اعتراض
					مسئولیت ناپذیری
					تضعیف اعتماد و انسجام



• راهبردهای (WT) کاهش ریسک: اجتناب از تهدیدها از طریق به حداقل رساندن نقاط ضعف

کاهش کارآمدی رسانه	منازعات جناحی	ادراک بی‌عدالتی	انیشت نارضایتی	مشکلات اقتصادی	اختلال در کارکرد	کاهش سرمایه و اعتماد عمومی	سیاست‌های مداخله‌گرایانه	WT
➤ بازنگری اساسی در حوزه رسانه‌ای و اطلاع‌رسانی کشور ➤ بازنگری در تحلیل‌های رسمی با اتکا به پژوهش‌های اجتماعی و داده‌های میدانی برای درک واقعی مسائل ➤ توسعه نگاه چندبعدی و جامعه‌شناختی به اعتراض‌ها ➤ اجرای سیاست‌های ترمیمی در سطح اجتماعی برای بازسازی اعتماد و تقویت انسجام ملی ➤ تقویت و ایجاد نهاد فراقوه‌ای برای مبارزه با فساد								کمیوهای ساختاری و قانون
								نبود ملاک برخورد صحیح
								نارسایایی دستگاه اقناعی
								فهم نادرست از مسائل اصلی
								درک تک‌بعدی از علل اعتراض
								مسئولیت ناپذیری
								تضعیف اعتماد و انسجام

در فرایند تحلیل SWOT، همه راهبردها دارای یک سطح اهمیت یکسان نیستند؛ بلکه بر اساس ماهیت، میزان اثرگذاری و زمان‌بندی آن‌ها می‌توان اولویت‌بندی مشخصی را ارائه کرد.

ماهیت راهبرد

به طور معمول، راهبردهایی که بر ترکیب نقاط قوت و فرصت‌ها SO تکیه دارند، تهاجمی



و توسعه‌ای بوده و بالاترین اولویت را می‌یابند؛ چرا که این دسته می‌کوشند با بهره‌برداری از ظرفیت‌های درونی و شرایط مساعد بیرونی، زمینه توسعه و پیشرفت را فراهم کنند همچنین با توجه به این که این موارد با هزینه اندکی قابلیت اجرایی شدن را دارند؛ در زمان کم هم تقویت‌کننده رشدند و هم مشروعیت‌ساز. در مرتبه بعد، راهبردهای ST قرار می‌گیرند که دفاعی و بازدارنده هستند و هدفشان استفاده از توانمندی‌های موجود برای مقابله با تهدیدهای بیرونی مخصوصاً زمانی است که تهدیدهای فوری وجود دارند. است. در سطح سوم، راهبردهای WO که ماهیتی اصلاح‌گرایانه دارند، جای می‌گیرند که تلاش می‌کنند ضعف‌های داخلی را از طریق فرصت‌های بیرونی جبران کنند. اولویتشان میان‌مدت است چون اجرای آن‌ها نیازمند تغییرات نهادی و اجتماعی است. در نهایت، راهبردهای WT کمترین اولویت را دارند؛ زیرا زمان بیشتری نیاز دارند، هزینه بالاتری در نسبت با دیگر راهبردها لازم داشته و بیشتر حالت اضطراری دارند و تنها وقتی دارای اولویت بالاتر هستند تهدیدی وجودی برای بقا وجود داشته باشد.

اثرگذاری و دامنه

راهبردها از نظر اثرگذاری نیز متفاوت‌اند. آن دسته از راهبردهایی که به بازسازی سرمایه اجتماعی، تقویت اعتماد عمومی و افزایش مشروعیت سیاسی کمک می‌کنند، نسبت به راهبردهایی که صرفاً بر جنبه‌های امنیتی یا فناوریانه تمرکز دارند، اهمیت بیشتری پیدا می‌کنند. دلیل این امر آن است که بدون پشتوانه اجتماعی و مشروعیت سیاسی، حتی قوی‌ترین سازوکارهای امنیتی و فناوریانه نیز در بلندمدت توان پایداری نخواهند داشت.

زمان‌بندی

در نهایت، زمان‌بندی اجرا نیز بر اولویت راهبردها اثر می‌گذارد. برخی راهبردها باید به صورت فوری عملیاتی شوند، مانند بازنگری در سیاست‌های رسانه‌ای یا واکنش به تهدیدهای خارجی. برخی دیگر ماهیت میان‌مدت دارند، نظیر بازطراحی ساختارهای نهادی یا آموزش نیروهای اجرایی. در مقابل، راهبردهایی نیز وجود دارند که تنها در افق بلندمدت معنا پیدا می‌کنند، مانند توسعه ظرفیت‌های پژوهشی، ارتقای منابع انسانی و نهادینه‌سازی سازوکارهای جدید.



اولویت بندی راهبردها

اولویت‌بندی راهبردها بر مبنای ترکیب سه عامل ماهیت، دامنه اثرگذاری و زمان‌بندی صورت گرفت. راهبردهای سطح اول به این دلیل در صدر قرار گرفتند که عمدتاً از نوع تهاجمی بوده، با هزینه کم قابلیت اجرا داشتند و در عین حال بیشترین اثر را در بازسازی اعتماد و مشروعیت اجتماعی ایفا می‌کردند؛ از این رو تدوین قانون جامع اعتراض‌ها یا اجرای سیاست‌های ترمیمی در این سطح جای گرفتند. سطح دوم شامل راهبردهایی است که اگرچه اهمیت بالایی داشتند اما به دلیل ماهیت اصلاح‌گرایانه و نیاز به تغییرات نهادی و اجتماعی، تحقق آن‌ها در افق میان‌مدت ممکن بود. سطح سوم به راهبردهایی اختصاص یافت که بیش از آنکه فوری و اضطراری باشند، بر توسعه ظرفیت‌ها و ایجاد بنیان‌های پایدار در بلندمدت متمرکز بودند و به همین دلیل در اولویت بعدی قرار گرفتند. در نهایت، سطح چهارم شامل راهبردهایی شد که با وجود ضرورت در ساختار کلان، به دلیل هزینه‌بر بودن، زمان‌بر بودن یا نقش پشتیبان و مکمل، در رتبه‌های انتهایی اولویت‌بندی قرار گرفتند. به این ترتیب، نظم‌نهایی راهبردها بازتابی از منطق تقدم اقدامات فوری و مشروعیت‌ساز بر اصلاحات ساختاری و سپس توسعه ظرفیت‌های بلندمدت و اقدامات پشتیبان است.

سطح اول (فوری و حیاتی)

- ❖ تدوین قانون جامع اعتراض‌ها و راهپیمایی‌ها با مشارکت نخبگان
- ❖ اجرای سیاست‌های ترمیمی در سطح اجتماعی برای بازسازی اعتماد و تقویت انسجام ملی
- ❖ تقویت سازوکارهای ساختاری (امنیتی - رسانه‌ای) برای مقابله فعال با مداخلات خارجی

سطح دوم (میان‌مدت و تمرکز بر اصلاح ساختار و کاهش ضعف‌ها)

- ❖ ایجاد سازوکارهای پاسخ‌گویی با مشارکت نخبگان و نهادهای مدنی
- ❖ بازطراحی گفت‌وگوهای اقناعی و رسانه‌ای با مشارکت نخبگان علوم اجتماعی
- ❖ استفاده از حمایت‌های سیاسی و اجتماعی برای اصلاحات تدریجی و پاسخ‌گویی به مطالبات عدالت‌محور
- ❖ بازنگری اساسی در حوزه رسانه‌ای و اطلاع‌رسانی کشور
- ❖ آموزش نیروهای میدانی و مدیران برای مدیریت اعتراض مبتنی بر اقناع



سطح سوم (بلندمدت - تمرکز بر توسعه ظرفیت‌ها و پیشرفت‌ها)

- ❖ بهره‌گیری از فناوری‌های نوین برای پیش‌بینی و خنثی‌سازی مداخلات خارجی
- ❖ تقویت گفت‌وگوهای اجتماعی و میانجی‌گری از طریق نهادهای مردمی
- ❖ بهره‌گیری از ابزارهای علمی و فناوری‌های نوین برای تحلیل چندبعدی اعتراض‌ها
- ❖ تبیین دستاوردها و پیشرفت‌ها در حوزه‌های مختلف برای مردم
- ❖ بازنگری در تحلیل‌های رسمی با اتکا به پژوهش‌های اجتماعی و داده‌های میدانی
- ❖ توسعه نگاه چندبعدی و جامعه‌شناختی به اعتراض‌ها

سطح چهارم (پشتیبان و مکمل - اقدامات ساختاری و تخصصی)

- ❖ تقویت توان امنیتی و دفاعی
- ❖ تخصیص منابع مالی و انسانی برای حمایت از پروژه‌های علمی و سیاست‌پژوهی
- ❖ بهره‌گیری از نیروهای انسانی و نخبگان برای تقویت روایت‌های ملی در برابر رسانه‌های بیگانه
- ❖ فعالسازی دیپلماسی منطقه‌ای برای کاهش فشارهای خارجی
- ❖ تکیه بر نهادهای اسلامی به‌عنوان مرجع اجتماعی برای تبیین درست مسائل
- ❖ تقویت و ایجاد نهاد فراقوه‌ای برای مبارزه با فساد
- ❖ تقویت امنیت محله‌محور
- ❖ بهره‌گیری از فرصت‌های قانونی برای بازطراحی ساختارها و نهادها

نتیجه‌گیری

یافته‌های تحلیل SWOT نشان می‌دهد که مدیریت اعتراض‌ها در بستر جوامع معاصر، نه صرفاً یک مقوله امنیتی، بلکه پدیده‌ای چندلایه و میان‌رشته‌ای است که نیازمند توجه همزمان به ابعاد نهادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است. از یک سو، وجود ظرفیت‌هایی همچون ساختارهای سازمانی، اشراف اطلاعاتی و توان هماهنگی نهادی نشان‌دهنده پشتوانه‌ای برای مدیریت کارآمد اعتراض‌هاست. از سوی دیگر، ضعف‌هایی همچون کمبود چارچوب‌های قانونی روشن، نارسایی دستگاه اقناعی و درک تک‌بعدی از علل نارضایتی‌ها، مشروعیت اقدامات مدیریت اعتراض را تضعیف می‌کنند. در این میان، فرصت‌های حقوقی، اجتماعی و فناورانه، امکان ترمیم این ضعف‌ها



و ارتقای کیفیت حکمرانی را فراهم می‌سازند، در حالی که تهدیدهایی نظیر مداخلات خارجی، بحران اعتماد عمومی و منازعات جناحی، ثبات سیاسی و انسجام اجتماعی را در معرض آسیب قرار می‌دهند.

راهبردهای استخراج‌شده در این چارچوب نشان می‌دهند که مدیریت مؤثر اعتراض‌ها زمانی موفق خواهد بود که میان اقتدار نهادی و مشروعیت اجتماعی توازن برقرار شود. این امر مستلزم تقویت سرمایه اجتماعی از طریق گفت‌وگو و میانجی‌گری، بهره‌گیری از دانش نخبگان و ابزارهای علمی برای تحلیل چندبعدی اعتراض‌ها، و در عین حال تقویت چارچوب‌های حقوقی به‌منظور تعریف روشن حدود و قواعد اعتراض است. بدین ترتیب، اعتراض نه صرفاً تهدیدی برای نظم سیاسی، بلکه فرصتی برای اصلاح و ارتقای کیفیت حکمرانی تلقی می‌شود.

در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که مدیریت اعتراض‌ها در ایران و دیگر جوامع مشابه، برای دستیابی به پایداری سیاسی نیازمند رویکردی جامع و تلفیقی است. رویکردی که هم به تهدیدهای فوری واکنش نشان دهد، هم ضعف‌های نهادی را ترمیم کند و هم از فرصت‌های اجتماعی و فرهنگی برای بازسازی اعتماد عمومی بهره‌گیرد. تنها در چنین چارچوبی است که اعتراض به جای تبدیل شدن به بحران، می‌تواند به سازوکاری مشروع و نهادینه برای بیان مطالبات و تقویت انسجام اجتماعی بدل گردد.



منابع

الف- فارسی

۱. آقامحسینی، وحید؛ و خجسته باقرزاده، حسن. (۱۳۹۱). نقش اینترنت به عنوان رسانه ای اجتماعی در مدیریت بحران اجتماعی. رسانه های دیداری و شنیداری، ۱۹ (۸)، ۲۵-۴۵.
۲. افتخاری، اصغر. (۱۳۹۷). اصول الگوی اجتماعی حفاظت و امنیت در جامعه اسلامی. پژوهش های حفاظتی و امنیتی، ۲۵ (۷)، ۱۵۵-۱۸۲.
۳. افتخاری، اصغر؛ و نادری اصل، سعید. (۱۴۰۳). سیاست گذاری مدیریت اعتراض بر اساس آیات شریفه ۱۲۵ تا ۱۲۸ سوره نحل. قرآن و علوم اجتماعی، ۱۳ (۴)، ۸۵-۱۱۳.
۴. انصاری فرد، حسین؛ و صالحی، حمید. (۱۴۰۲). واکاوی جامعه شناختی ناآرامی های اجتماعی سال ۱۴۰۱ ایران (با تاکید بر شبکه های اجتماعی). علوم خبری، ۱۲ (۱۴۰۲)، ۴۷.
۵. باصری، احمد؛ و احمدی، عباس. (۱۳۹۵). بررسی تاکتیکهای رسانه‌ای خبر بیست و سی شبکه دوم سیما در مدیریت بحران حوادث پس از انتخابات سال ۸۸. مدیریت بحران و وضعیت های اضطراری، ۲۹ (۸)، ۸۱-۱۱۲.
۶. بیات، بهرام. (۱۳۹۸). مدیریت بحران‌های امنیتی (با تاکید بر جنبش های اجتماعی و اغتشاشات خیابانی). دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، انتشارات.
۷. ترنر، جانatan. (۱۳۸۴). پیدایش نظریه جامعه‌شناختی. (عبدالعلی لهسایی‌زاده، مترجم). نویدشیراز.
۸. چلبی، مسعود. (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی. نشر نی.
۹. حاجی احمدی، مهدی؛ ملکیان، نازنین؛ و حسینی، سید رسول. (۱۴۰۳). تحلیل سطوح تاثیر گذاری شبکه‌های اجتماعی بر گرایش کاربران به کنش اعتراضی (مطالعه موردی: اعتراضات سال ۱۴۰۱). مدیریت بحران و وضعیت های اضطراری، ۵۷ (۱۶)، ۹۱-۱۱۸.
۱۰. دستمالچی، مهدی. (۱۳۸۹). کنترل ناآرامی های اجتماعی توسط پلیس از نگاه مطبوعات (ناآرامی های دانشجویی تهران سال های ۸۲ و ۷۸). پژوهش نامه نظم و امنیت انتظامی، ۱۲ (۳)، ۹۷-۱۱۰.
۱۱. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه. دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ.
۱۲. رضائیان، علی. (۱۳۸۲). اصول مدیریت (ویرایش [ویراست ۲]). سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
۱۳. ساروخانی، باقر. (۱۳۹۳). روش های تحقیق در علوم اجتماعی (ویرایش [ویراست ۲]، ج ۱). دیدار.



۱۴. سیدامامی، کاووس. (۱۳۹۶). روش‌های مصاحبه برای پژوهش‌های سیاسی. (دانشگاه امام صادق (ع)، پدیدآور). دانشگاه امام صادق (ع).
۱۵. شیخ‌زاده، محمد؛ و بنی‌اسد، رضا. (۱۳۹۹). تحلیل مضمون: مفاهیم، رویکردها و کاربردها. لوگوس.
۱۶. صفوی، سید یحیی؛ و علیپور، عباس. (۱۳۹۰). مدیریت بحران‌های قومی: عوامل و ریشه‌های بحران قومی در ایران پس از انقلاب اسلامی مطالعه موردی کردستان. پژوهش‌های مدیریت انتظامی، ۱۸(۶)، ۱۹۴-۲۰۷.
۱۷. عابدی جعفری؛ تسلیمی، تسلیمی؛ فقیهی، ابوالحسن؛ و شیخ‌زاده، محمد. (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. اندیشه مدیریت راهبردی (اندیشه مدیریت)، ۵(۲).
۱۸. عالی‌پور، حسن. (۱۳۸۶). مدیریت حقوقی اجتماعات اعتراض آمیز. مطالعات راهبردی، ۳۶(۱۰)، ۳۴۹-۳۸۰.
۱۹. علی‌احمدی جشفقانی، علیرضا؛ و سعیدنهایی، وحید. (۱۴۰۲). روش‌های تحقیق کمی و کیفی (مبانی فلسفی). پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲۰. فیضی، رضا؛ گوهری مقدم، ابوذر؛ و باباهادی، محمدباقر. (۱۳۹۷). بررسی مفهوم هویت و منافع ملی و رابطه بین آنها در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله العالی). امنیت ملی، ۸(۲۸).
۲۱. نوبخت، امید؛ دعاگویان، داود؛ و سمیعانی، محمد. (۱۳۹۹). مدیریت اعتراضات اجتماعی و فرهنگی در ایران: الگوی یابی در فرهنگ عمومی. علوم سیاسی (دانشگاه آزاد کرج)، ۵۳(۱۶)، ۱۷-۴۰.
۲۲. وطن‌خواه، حمید. (۱۳۹۲). بررسی الگوی مدیریت انتظامی در پیشگیری از اعتراضات صنفی. پژوهش‌های مدیریت انتظامی، ۲۸(۸)، ۶۰۷-۶۳۷.
۲۳. وطن‌خواه، حمید. (۱۳۹۵). به کارگیری ظرفیت زنان در یگان‌های ویژه. پژوهش‌های انتظامی - اجتماعی زنان و خانواده، ۷(۴)، ۲۳۱-۲۵۳.
۲۴. یآوری بافقی، امیرحسین. (۱۴۰۱). فراجا در مدیریت بحران‌های اجتماعی (کارکرد و جایگاه). فصلنامه آفاق امنیت، ۱۵(۵۷)، ۱۵۱-۲۰۷.

ب - انگلیسی

25. Fahlenbrach, Kathrin; Klimke, Martin; & Scharloth, Joachim (eds.). (2016). PROTEST CULTURES (1st ed.). Berghahn Books.



26. Gillespie, Andrew. (2024). Business strategy. In A. Gillespie, (A. Gillespie), Foundations of Business. Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/hebz/9780198849537.003.0008>
27. Gillion, Daniel Q. (2013). The Political Power of Protest: Minority Activism and Shifts in Public Policy (1st ed.). Cambridge University Press.
28. Okigbo, Charles C. (2014). Strategy: What It Is. In C. C. Okigbo (Ed.), (C. C. Okigbo, Ed.), Strategic Urban Health Communication (pp. 1–9). Springer New York. https://doi.org/10.1007/978-1-4614-9335-8_1
29. Puyt, Richard W.; Lie, Finn Birger; & Wilderom, Celeste P.M. (2023). The origins of SWOT analysis. Long Range Planning, 56(3), 102304. <https://doi.org/10.1016/j.lrp.2023.102304>
30. Stetz, Thomas A. (2021). Schools of management thought: a text analysis of management books published in the first half of the twentieth century. Management & Organizational History.
31. Wren, Daniel A.; & Bedeian, Arthur G. (2020). The evolution of management thought (Eighth Edition). Wiley.